

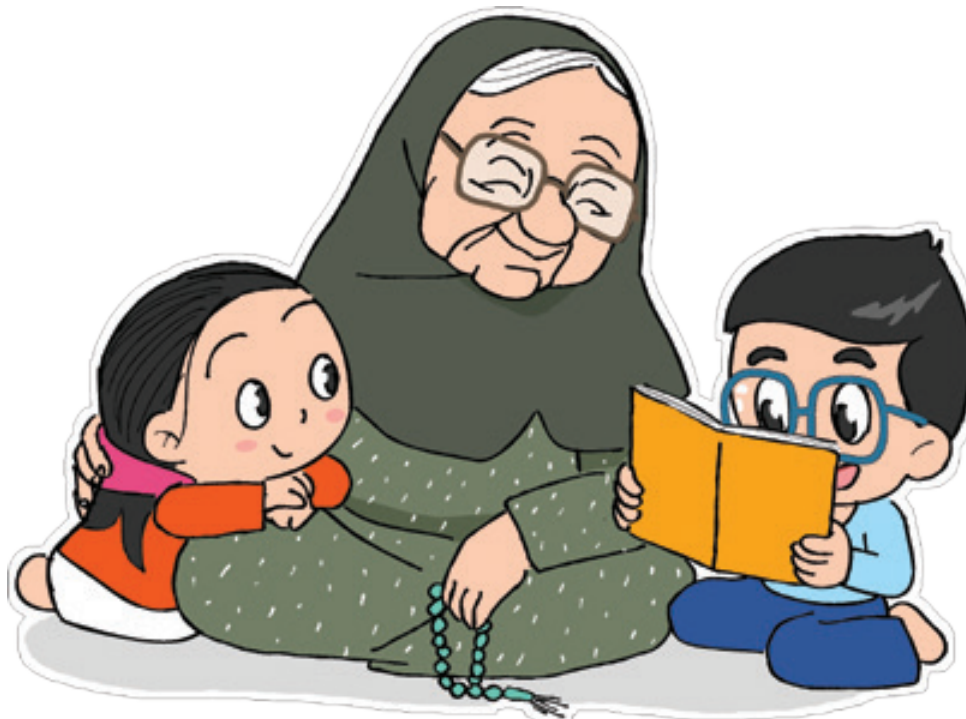
سلام کودکانه

یک اتفاق جالب

سلام. امروز مادر بزرگم به خونه ما اومد. مادر بزرگ همیشه برای ما قصه‌های بامزه تعریف می‌کنه اما امروز یک اتفاق جالب افتاد. امروز داداش پویا برای مادر بزرگ کتاب خوند. کتابی که از کتابخونه محله امانت گرفته بودیم، یک داستان بامزه داشت. مادر بزرگ خیلی خوشش اومد و گفت: «دوست دارم از این به بعد هر وقت اومدم خونه‌تون، یک کتاب برام بخونین.»

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ • ۲۰۰۰۹۹۹



شعر

خونه‌ی مورچه‌ها

یه سوراخ کوچیکه
روی دیوار خونه
میرن و برمی گردن
مورچه‌ها دونه دونه

تو این سوراخ کوچیک
یعنی چیه خدا جون؟
این جا یا رستوران
یا انبار غذاشون

این مورچه‌ها چه جوری
تو خونه پیدا شدن؟!
اصلا چه جوری اینا
تو این سوراخ جا شدن؟!

شاعر: مریم زارعی



تصویر سازی ها : سعید مرادی

سحر بهجو

با من یاد بگیر

آموزش انگلیسی

دوستان خوبم
می‌خوام چند تا لغت
رو همراه با شعر
بهتون معرفی کنم
تا با این لغات و
معادل انگلیسی شون
آشنا بشین.

دایره‌ی سفیدی
تو آسمون تاریک
گاهی مثل یه قرصه
گاهی هلال و باریک

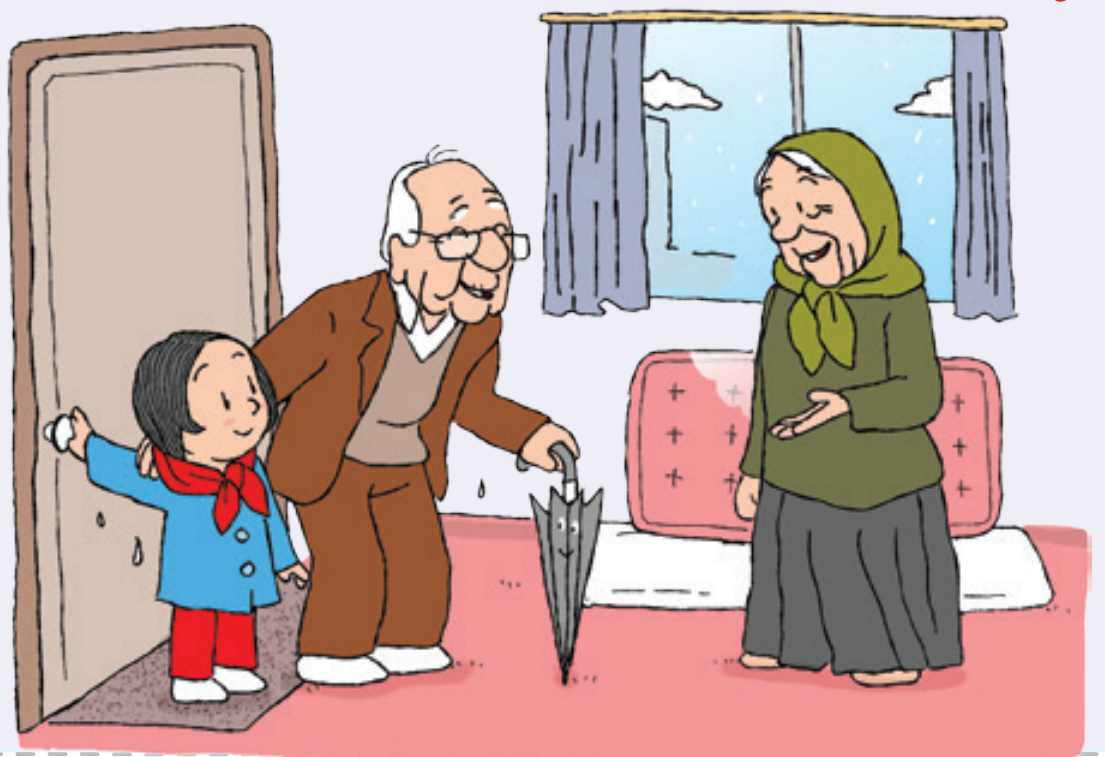
یه گردالی زرده
تو آسمون نشسته
نور و حرارت میده
گل‌ها رو دسته دسته

یه نقطه تو آسمون
می‌زنه گاهی چشمک
می‌خندی توی تخت
با خرسی و عروسک



شهر قصه

چتر قدیمی



مریم هر بار که خانه ماما بزرگ می‌رفت، چشمش به چتر قدیمی می‌افتاد. او دوست داشت با چتر بازی کند.

آن روز باران می‌آمد برای همین مریم دوباره یاد چتر افتاد.

اورفت توی آشپزخانه و به ماما بزرگ گفت: ماما جون! می‌شه با چتر بازی کنم؟

ماما بزرگ گفت: مریم جون... اون چتر دیگه قدیمی شده! اگه بازش کنی، شاید یک وقتی پاره بشه! یا بشکنه! برو با عروسکت بازی کن تا برات یک آش خوشمزه بپزم!

بابا بزرگ، روزنامه می‌خواند. سرش را از روی روزنامه برداشت. به مریم نگاه کرد که اخم کرده بود.

گفت: بارون بند اومده! بیا بریم پارک بازی کن!

بعد از جا بلند شد. اما از صدای «آخ» گفتنش، مریم ترسید. مریم دوید و دست بابا بزرگ را گرفت و پرسید: بابا جون! چی شده؟

بابا بزرگ گفت: باید یک عصا بخریم!

مریم به دور و بر خانه نگاه کرد. فوری چتر را از گوشه خانه برداشت و به بابا بزرگ داد. بابا بزرگ هم چتر را مثل عصا گرفت و به آن تکیه کرد. مریم و بابا بزرگ و چتر پیر، هر سه تایی به پارک رفتند و به آن‌ها خیلی هم خوش گذشت. وقتی برگشتند ماما بزرگ نگاهش افتاد به چتر قدیمی و گفت: این چتر این جا چه کار می‌کنه؟

بابا بزرگ هم گفت: فکر مریم بود! چتر قدیمی مثل یک عصای خوب بود برام! با این چتر، راحت می‌تونستم راه برم!

نویسنده: سمیه سیدیان

سرگرمی و رنگ آمیزی

بگرد و پیدا کن

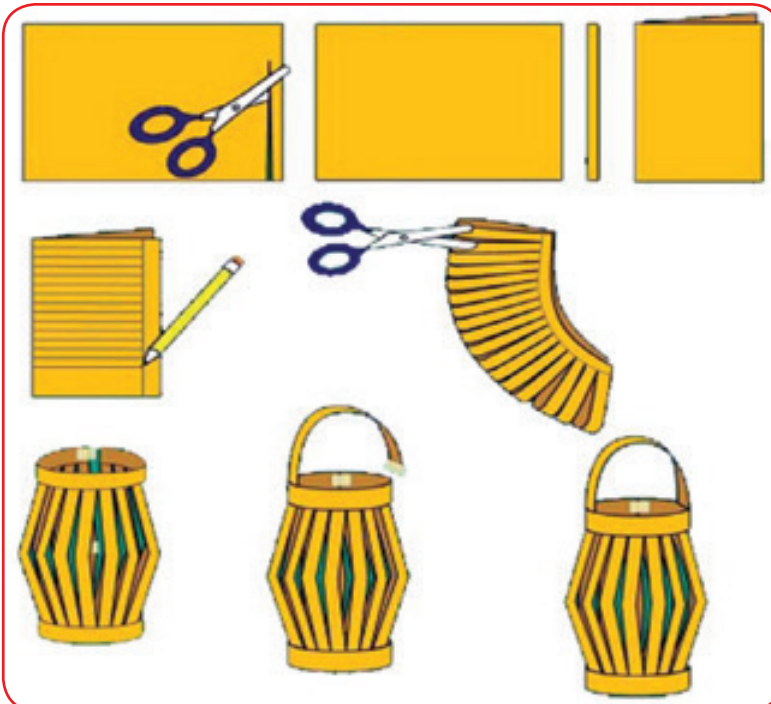
نسرین می‌خواد تو مرتب کردن باغچه به پدرش کمک کنه.
به نظر شما به کدوم وسیله نیاز نداره؟ تصویر رو با سلیقه خودتون رنگ آمیزی کنین.



سمانه تلگردی

چطوری درست کنیم؟

- ۱ کاغذ رواز وسط تا کنید، بعد مطابق شکل از قسمت باز کاغذ با استفاده از خط کش یه خط افقی بکشین و بعد زیر اون خطوط عمودی رسم کنین.
- ۲ حالا با استفاده از قیچی خطوط عمودی رواز اول خط افقی برش بزنین.
- ۳ در این مرحله با استفاده از چسب اون دو قسمت افقی رو به همدیگه بچسبونین.
- ۴ می‌تونین برای این که فانوس قشنگ تر بشه، براش دسته درست کنید، به این صورت که یه مقوای باریک رو برش بزنین و به فانوس بچسبونین.



هنرمند کوچولو

فانوس

چی لازم داریم؟

کاغذ رنگی (به رنگ دلخواه)،
خط‌کش، چسب و قیچی

